

تسلیم وجدان گروه

چطور می‌فهمید که وقت آن است تا علیه تصمیم اکثریت صحبت کنید؟
و یا وقت آن است که آن تصمیم را پذیرفته و تسلیم وجدان گروه شوید؟
دوازده مفهوم خدماتی، مفهوم ۹

هر بار که گروه یا یک ساختار خدماتی تصمیمی می‌گیرد، قرار است که ما با آن تصمیم همسو باشیم، درست است؟ اما اگر این تصمیم برخلاف نظر ما باشد چه؟ شاید با سنت‌ها مغایرت داشته باشد، یا اصل مهربانی با حذف چند تن از اعضا در نظر گرفته نشده باشد و یا یک درمان موقت جهت پوشش مشکلی بزرگتر باشد. ممکن است تصمیمی بوده بدون استفاده از اطلاعات در دسترس. آیا این واقعاً یک وجدان گروهی آگاه بود؟ یا بیشتر شبیه یک مسابقه محبوبیت؟ اگر مطمئن باشیم که محتوای تصمیم قبلاً امتحان شده و با شکست بدی روبرو شده است چه؟ اگر گروه اشتباه می‌کند و ما درست می‌گوییم چه؟

ما فرآیندی داریم که هرگاه آن فرآیند کامل باشد مخالفت با وجدان گروهی باعث عدم اتحاد و سردرگمی می‌شود. اعضا مجبور به طرف‌گیری می‌شوند و برخی ممکن است گروه را ترک کرده و یا از پست خدماتی خود استعفا دهند و در حال خروج به ما بگویند: "بهبودی شخصی به اتحاد NA بستگی دارد!"

مفهوم نهم خدماتی به طور شفاف می‌گوید که شنیدن همه نظرات در روند شکل‌گیری وجدان گروهی الزامی است. اما این بر عهده ما اعضا است که تصمیم بگیریم کدام چشم‌انداز بیشترین اعتبار را دارد. پذیرش و تسلیم در برابر تصمیم گرفته شده بلافاصله وقتی صورت می‌گیرد که همه نقطه نظرات شنیده شده باشد و گروه تصمیم می‌گیرد که راه خود را ادامه دهد - علیرغم آنچه در قلب ما می‌گذرد.

اگر ما درست گفته باشیم و بعدها همه چیز به هم بریزد، ما می‌توانیم بخشی از راهکار باشیم - البته با فروتنی. حتی اگر بارها و بارها به ما گوش‌زد شده است که همیشه حق با ما نیست، ولی باید قبول کنیم که دیگران هم گاه اشتباه می‌کنند و ما نمی‌توانیم کاری برایش بکنیم.

امروز با نهایت تسلیم و پذیرش خود در خدمات NA شرکت می‌کنم. اگر نیاز شد،
به گروه خود می‌گویم: "خب! امیدوارم که اشتباه کرده باشم!" و بهترین
سعی‌ام را می‌کنم که واقعاً منظورم همین باشد.